

## پیام امید به روشنفکر مسئول

### عبدالعلی بازرگان

"سُست نشوید و محزون نگردید. شما برترید،  
اگر ایمان (به هدفتان) داشته باشید"  
(آل عمران ۱۳۹)

پیام فوق عنوانی است که زنده یاد دکتر شریعتی در سال‌های سختِ سرکوب و سلطه ساواک خطاب به مبارزانِ نوامید از آینده برای سخنرانی و نوشته خود انتخاب کرده بود و اینک در سالگرد سفر ابدی‌اش، که به دلیل التهابات اخیر امکان برگزاری نیافت، به یادش چنین عنوانی را عاریه می‌گیرم.

شریعتی با برداشتی نوگرایانه از آیات ابتدائی سوره "روم"، که ناظر به نبرد دو ابرقدرت زمانه، ایران و روم، می‌باشد، نگاه مبارزان هم نسل خود را از طواهر زمانه و غلبه اهل زور و زر و تزویر، به باطن تحولات اجتماعی برد و این عبرت را در آن آیات نشان داد که: "مردم فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌بینند و از روی دیگر آن غافل‌اند."

از زاویه زمان خود که می‌نگریم، طواهر امر، غلبه قدرت مدارانی را نشان می‌دهد که نه بیگانه، که ملت خویش را قلع و قمع کردند و "فتح المبین" شان را در به خاک و خون کشیدن ملتی یافتند که "خس و خاشاک" شان می‌دیدند!! به چه جر می؟! ... جز آنکه از حق قانونی خویش در راه پیمائی مسالمت آمیز اعتراضی استفاده کرده بودند؟

و در سوی دیگر سرکوب شدگانی را می‌بینیم که پراکنده و در بند اسارت بعضاً می‌پندارند خروش و خونشان برای آزادی و حاکمیت ملت به هدر رفته و چهار سال دیگر باید تلخی تحقیر و تقلب را تحمل کنند.

این چنین است که روزگار تکرار و آزمون ملت‌ها آغاز می‌گردد (تلك الايام ندولها بين الناس). ظالمان می‌پندارند با سرکوب مخالفان، آینده اقتدارشان تضمین شده است و مظلومان می‌ترسند با غلبه ستمگران سکوت مرگ بر سرزمینشان سرمدی گردد. اما واقعیت تاریخ نشان می‌دهد که همواره ملت‌ها پیروز شده و در بلند مدت، هیچ دیکتاتوری باقی نمانده است.

به گفته "مهاتما گاندی":

"حتی ظالم ترین حکومت‌ها جز به رضایت مردمی که بر آنها فرمان میرانند، ... قادر به ادامه حیات نیستند. هرگاه مردم تابع حکومت، دیگر از قدرت ظالم نترسند، همان دم حاکم جابر از میان برخاسته است."

چرا چنین است و چه نظامی در جهان حاکم است که حق سرانجام پیروزی‌شود و باطل زائل می‌گردد؟ ما از نظر تاریخی عادت به شیوه "زور و ضربت" و انتظار "زود و زیاد" کرده ایم، اما اگر "شتاب" را به "شکیب"، "احساس" را به "آگاهی"، و "جدائی" را به "اتحاد" تبدیل کنیم، می‌توانیم شاهد پیروزی پُر دوامی باشیم که به سادگی از دست نرود. و مگر پیروزی چیست جز فتح سنگر به سنگر جبهه آزادی و نهادینه شدن ارزشهای انسانی با تمرین و تغییر تدریجی شخصیت فردی و اجتماعی و کسب شایستگی‌های لازم در میدان زندگی؟

نگاهی به نهضت‌های آزادی‌بخش در جهان بیندازیم و سرنوشت رهبران و سیر مبارزه ملت‌ها را سرلوحه کار خود قرار دهیم:

"باراک اوباما" که با "رای مردم" بر قله قدرت زمانه ایستاده، بر دوش امثال "مارتین لوتر کینگ" هائی برآمده است که جان خویش در راه تساوی انسان‌ها فدا کردند.

"ماندلا" که نام افتخارآمیزش در مبارزات مسالمت آمیز با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ماندگار شد، عمری را در رنج و محرومیت و زندان گذراند. اما سرانجام حق رای و آزادی را برای ملتش به ارمغان آورد.

"گاندی" که امپراطوری انگلیس را به زانو درآورد و ملت خود را به آزادی رساند، حربه‌ای در برابر ارتش بیگانه جز نیروی لایزال ملت و اسلحه‌ای جز "مقاومت منفی" و "نافرمانی مدنی" نداشت.

"چه گوارا" که چهره‌اش چهل سال زینت بخش پیراهن و پوستردیوارها بود! می‌خواست تجربه انقلاب کوبا را در سایر کشورهای آمریکای لاتین پیاده کند، اما مظلومانه در جنگل‌های بولیوی کشته شد. او در ظاهر شکست خورد و نهضتش نابود گردید، اما در باطن پیروز گشت و هزاران امثال خود را در سراسر جهان پدید آورد.

چرا راه دور برویم؛ در همین ایران خودمان. "میرزا کوچک خان جنگلی" که از سرو آزادی پرچمی در جنگل‌های شمال برافراشته بود، سرانجام در سرمای سیاه زمستانی در جنگ و گریز با سربازان رضا شاه کشته شد و جنازه یخ زده‌اش به‌مراه یکی دو تن از یارانش، درحالی که فقط یک ریال در جیبش بود، نهال جرأت و شهامتی را قلمه زد که نسل‌های بعد در سایه سربلندی‌اش رفتند.

"مصدق" که با نهضت ملی‌اش دست چپاول بریتانیای کبیر را از صنعت نفت کوتاه کرده بود، هنوز طعم ملی شدن را نچشیده بود که با کودتای دربار و دولت‌های غربی به زندان و محکومیت گرفتار آمد و باقیمانده عمر را در تبعیدگاه "احمدآباد" با تنهائی و سکوت سر کرد. مصدق از دنیا رفت، اما نامش و نهضتش زنده ماند و تلاش‌هایش تحولی آفرید که طومار استبداد ۲۵۰۰ ساله را ۲۵ سال بعد در هم پیچید.

دکتر شریعتی در غربت غرب قلبش از غم غلبه قابیلیان و اعدام آزادی‌خواهان از حرکت ایستاد اما یک سال بعد چهره‌اش به عنوان معلم انقلاب برپلاکاردهای راهپیمائی‌های میلیونی نقش بست. گرچه در بهار آزادی جای او خالی بود، اما حیات طویه‌اش حضور داشت و همچنان دارد.

در فرهنگ دینی ما مهم‌ترین مصداق، همان قیام حسینی(ع) است که در ظاهر، بزرگترین شکست تاریخ (به دلیل شهادت همه یاران، اسارت همه خاندان، جفای کوفیان و ...) و در باطن، درخشان‌ترین پیروزی بوده است؛ اتفاقاً جرم آنان نیز مطالبه حاکمیت و انتخاب آزاد مردم و مخالفت با ولایت مطلقه موروئی یزید بوده است. مردانی که به تمامه در راه آرمانی متعالی شهید شدند اما خونشان بر شمشیر پیروز شد، نه تنها نظام سیاسی حاکم فروپاشید و جنایتکاران به سزای اعمالشان رسیدند، بلکه برای آزادی پرچمی برافراشتند که همچنان در اهتزاز است.

مبارزات ملت‌ها در راه آزادی و حاکمیت مردم و استقرار امنیت و عدالت، زیر و بم، اُفت و خیز و فراز و نشیب‌های فراوانی دارد، خامی و خوش خیالی است اگر گمان کنیم با چند خیزش مردمی، کسانی که با تعصب بر دیدگاه‌های خوارج گونه خود پافشاری می‌کنند و منافع عظیم دارند جاخالی کنند.

نهضت سبزریشه در تاریخ مبارزات ملت برای حاکمیت ملی دارد، استثنائی در جهان نیست که چون قارچ از سرزمین ما سرزده و با یکی دو هفته تظاهرات خیابانی سطر و بر ساق خود استوار گردد، این نهالی است که اگر درست آبیاری شود، باغبان را به شگفتی و ناباوران نیروی مردم را به شور دلی می‌آورد.

کارنامه همین دو هفته را هم دست کم نباید گرفت؛ کدام ملت چنین دستاوردی در کوتاه مدت داشته است. نگاه کنید به سنگرهای فتح شده:

- ۱- پیروزی اخلاقی در اتخاذ شیوه‌های مسالمت آمیز و قانونی، غیرت ورزی در دفاع از حق انتخاب مردم، شجاعت و شهامت حضور در صحنه به رغم همه خطرات و خسارت‌ها.
- ۲- آشکار ساختن چهره واقعی مدعیان "رایحه خوش خدمت"!! به مردم و سلب مشروعیت از کسانی که حاضرند برای دوام خویش ملتی را به خاک و خون بکشند.
- ۳- احیاء احساس تعلق به یک ملت بزرگ، تبدیل "من" ها به "ما"، همدلی و همزبانی مردم در داخل و خارج پس از سی سال به رغم همه تفاوت‌ها.
- ۴- جهانگیر کردن ندای "ندا"های مظلوم با وجود اخراج خبرنگاران و قطع سیستم‌های ارتباط جمعی.
- ۵- کسب آبرو، عزت و اعتبار بین‌المللی برای ملتی که آبرویش را با عملکردهای نابخردانه لکه‌دار کرده بودند.
- ۶- خود باوری ملی، اعتماد به نفس فردی و اجتماعی و در یک کلمه؛ تعالی روح ملت.
- ۷- پرداختن هزینه آزادی و آمادگی برای ایثار و فداکاری در راه حق.
- ۸- بالندگی جنبش زنان بخصوص نسل نو برای مشارکت در تحقق اهداف ملی.

این که در فرهنگ و کتاب دینی ما به کرات تأکید شده: خدا با صابران، با پرهیزکاران، با نیکوکاران است (ان الله مع الصابرين، مع المتقين، مع المحسنين) نشان می‌دهد هماهنگی و یاری‌رسانی نیروهای مثبت جهانی و قوانین حاکم بر جوامع انسانی با کسانی است که اهل صبر و مقاومت، مهار نفس از خطا و خشونت، و نیکی و احسان به مردم‌اند. هرگاه ملتی صبر و استقامت و پایبندی به اخلاق و ارزش‌های انسانی در مبارزه داشته و آرمانش نیکی و احسان به ملت باشد، بی‌تردید مورد حمایت حق و همه حق‌طلبان عالم قرار می‌گیرد.

مبارزه در راه حق و استیفای حقوق انسان‌ها، مادام که بشر تحت تأثیر دو نیروی خیر و شر (رحمن و شیطان) است، تا قیامت ادامه خواهد داشت. پیروزی‌های مقطعی، بُعد ظاهری موفقیت‌های انسان در عرصه زندگی است، بُعد باطنی آن همان به رشد و کمال رسیدن استعدادهای فردی و اجتماعی و پالایش از پلیدی‌ها و پلشتی‌هاست که در متن مبارزات و مجاهدت‌های یک ملت تحقق می‌یابد. پس هر گامی در راه سعادت ملت برداشتن، خود پیروزی است. پیروزی اصلی در مسیر است و مقصد گام به گام پیموده می‌شود.

... و تا هر آنچه در سینه دارید در محک آزمون قرار دهد و آنچه در دل دارید پیراسته گرداند و خدا به راز دلها داناست (آل عمران ۱۵۴)